جفته و جفت

بهروزی، علی نقی

در صفحه 272 شمارهء ششم مجله شریفهء ارمغان امسال مشاهده گردید که استاد بزرگوار آقای جمال‏زاده مرقوم داشته‏اند که:

«...در رباعی 78 معنی-جفته بر خایه‏زدن-را که گویا نظیر«گره بر باد زدن» اصطلاحی بوده است،درست نفهمیدم...»

در حاشیه این مطلب نوشته شده که جفته بر خایه زدن باید یکی از انواع مثال‏ سائره‏ای باشد که دربارهء هنرمندی اشخاص بکار میبردند مانند اینکه میگویند فلانی‏ در شب تار تیر بجشم مار میزند.

در صفحهء 476 شمارهء هفتم هم دیده شد که آقای عباس آرین جفته بر خایه‏زدن‏ را به عملی که در بنادر مرسوم است ارتباط داده‏اند!

اینک نظر خود را در این باره،مخصوصا در باب نامهء آقای آرین بعرض میرساند:

اولا عین رباعی مورد بحث چنین است.

هر تیر که آن ترک سبک سایه زند بر سینهء عاشقان بی‏مایه زند ترکی است که از غایت چابکدستی‏ اندر شب تیره«جفته بر خایه‏زند»

جفته بضم اول بر وزن خفته سرین آدمی است و در اینجا جفته بر خایه زدن‏ کنایه از مباشرت است و مناسبت آن با در نظر گرفتن بیت اول و سبک اشعار مهستی‏ کاملا روشن است و بر فرض اینکه«جفته بر خایه‏زدن اصطلاحی بوده تصور نمیرود که با دو ضرب المئلی که جناب جمالزاده و یا در حاشیه ذکر کرده‏اند ارتباطی داشته باشد.

در اینجا این مطلب باقی میماند که مقصود از«ترک»کیست؟

آیا مرد است یا زن؟

من تصور میکنم که با در نظر گرفتن سبک اشعار مهستی مخصوصا رباعیاتیکه‏ دربارهء«قصاب پسر»و غیره سروده است باید مقصود از ترک«پسر»باشد.

ثانیا در باب نوشتهء آقای آرین،نوشتهء ایشان هیچ ارتباطی با معنی این‏ رباعی ندارد.

ایشان جفته را با جفت بفتح اول و سکون بقیه اشتباه کرده‏اند و چون اطلاعی هم‏ از جفت نداشته‏اند،چنانکه نوشته‏اند«گویا از گیاهی و غیره است»برای رفع آن‏ اشتباه توضیح میدهد.

درخت بلوط میوه‏ای دارد که آن را«بلوط»گویند و بلوط میوه‏ایست بیضی شکل‏ که پوست سفت و محکمی دارد و مغز آن را که تلخ است با جوشانیدن در آب،شیرین‏ کرده میخورند-در سالهای قحطی مردم دهات و ایلات از مغز بلوط آردی تهیه میکنند که بزبان محلی آن را«کلگ»(بفتح اول کاف عربی و سکون بقیه)نامند و از آن نانی‏ سیاه و ثقیل الهضم سازند که هرکه خورد به یبوست سختی دچار میشود.

بین پوست سفت و مغز بلوط یک پرده قهوه‏ای رنگ است که آن را«جفت» jaft (بفتح اول کاف عربی و سکون بقیه)نامند و این جفت مادهء مازوئی دارد که خاصیت‏ انقباضی شدیدی دارا میباشد و بهمین جهت در چرمسازی برای محکم‏کردن پوست‏ بکار میرود.

جفت سائیده روی پوست بدن اثر فراوانی دارد و آنرا بشدت منقبض و سفت‏ میسازد.از اینرو در بنادر جنوب.سابقا در تابستان که در اثر عرق زیاد کشالهء رانها و بیضه‏ها مجروح میگردید،گرد جفت را روی آنها میپاشیدند تا پوست سفت شود و از زخم‏شدن آن جلوگیری بعمل آید.

سابقا که«غواصان»برای صید مروارید در خلیج فارس به«غوص»کردن میپرداختند،چون هر غواصی از صبح تا شب در آب شور دریا فرو میرفت پوست بدنش‏ مجروح میشد.برای جلوگیری از زخم‏شدن پوست بدن،هر شب بدنشان را با خمیری‏ از گرد جفت می‏پوشانیدند تا محکم و سفت شود.

بنابراین مسئلهء جفت مالیدن ببدن و خایه در سواحل و بنادر خلیج فارس با شعر مهستی و اصطلاح«جفته بر خایه زدن»ابدا ارتباطی ندارد.

از روز ورود حضرت رسول به مدینه دوره‏ای در تاریخ اسلام شروع می- شود که آنرا دورهء هجوم و فتوحات و سلطنت اسلامی می‏توان نامید.مسلمین‏ تا در مکه بودند به نشر اسلام به مسالمت و تبلیغ مشغول بوده و در حال‏ دفاع و مظلومیت زندگی میکردند ولی عاقبت چون مسلم شد که مشرکین‏ مکه هرقدر هم حقایق و فوائد اسلام را دریابند و سستی و پوچی عقاید و عادات قدیمه خود را از عبادت سنگ و درخت و زنده در گور کردن دختران‏ و خون‏ریزیهای وحشیانه و غیره از روی حقیت ملتفت شوند باز بواسطه‏ منافع کوته‏نظرانهء تجارتی و عایدات حج قبایل عربستان به مکه از بتخانهء خود که دکان کسب آنها شده بود دست بر نخواهند داشت مگر بحکم‏ ناچار مسلمین تغییر رویه دادند.

)از کتاب پرویز تا چنگیز(